

## تحلیل تجارب زیسته زنان زندانی شهر سنندج از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان

نعمت اله عزیزی<sup>۱</sup>

مژگان امرایی نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر مطالعه تجربه زیسته زنان زندانی شهر سنندج از آموزش فنی و حرفه‌ای در زندان است. در این پژوهش از رویکرد کیفی، استراتژی پدیدارشناسی و ابزار مصاحبه عمیق با مشارکت‌کنندگان، به منظور پاسخگویی به سؤالات پژوهش و دستیابی به هدف پژوهش استفاده شد. در این پژوهش تلاش شد تا درک مشارکت‌کنندگان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان و همچنین ارزیابی آنان از اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان تحلیل شود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۹ نفر از زنان زندانی کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج بودند که در دوره‌های مهارت‌آموزی سازمان فنی و حرفه‌ای که در زندان شرکت داشتند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و دیدگاه آنان با استفاده روش مصاحبه عمیق جمع‌آوری و با بهره‌گیری از استراتژی تحلیل مضمونی، تحلیل شد. در تحلیل داده‌ها چهار بعد زمینه‌های قبل از زندان، زندان، آموزش در زندان و انگیزه مددجویان برای حضور در دوره‌های آموزشی و اثرات این دوره‌ها در توانمندسازی مددجویان مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که زنان زندانی با زمینه‌های جرم متفاوت، انگیزه‌ی زیادی برای شرکت در کلاس‌های مهارت‌آموزی دارند. همچنین بررسی تجارب مددجویان نشان داد که حضور در این کلاس‌ها نقش مثبتی در باز توانمندسازی همه‌جانبه مددجویان داشته و در اکثر موارد با توانمندسازی شغلی و اقتصادی و فراهم نمودن فضای بازسازی مددجویان از لحاظ روحی، روانی و تربیتی زمینه‌ی ارتکاب مجدد جرم در بین مددجویان را کاهش می‌دهد.

۱. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان. نویسنده مسؤل

۲. کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه کردستان

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان زندانی، مهارت‌آموزی، اثربخشی آموزشی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای،

شهر سنندج

### مقدمه

نقش آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی در رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی حیاتی است؛ زیرا این آموزش‌ها اولاً از رقابت نوآوری و رشد اقتصادی و تجاری حمایت می‌کند. ثانیاً برای افراد فرصت‌هایی را فراهم می‌کند که از آن طریق مهارت و همچنین موقعیت و شانس اشتغال آن‌ها بهبود می‌یابد. ثالثاً به توسعه ظرفیت‌های جامعه و توسعه منطقه‌ای نیز مدد می‌رساند (عزیزی و نصیری، ۱۳۹۲). با این اوصاف علیرغم این‌که آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی در شمار یکی از عوامل اساسی در تقویت رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی به شمار می‌رود، به‌تنهایی نمی‌تواند را تحقق چنین هدفی را تضمین کند. از این‌رو این مهم زمانی به بهترین وجه محقق می‌گردد که با دیگر اهداف عمده اجتماعی و اقتصادی هماهنگ و همسو گردد (عزیزی و لاسونن، ۲۰۰۶، عزیزی، ۲۰۱۵).

آموزش فنی و حرفه‌ای دارای نقشی حیاتی در رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی یک جامعه است. بر اساس قانون پرکینز آموزش فنی و حرفه‌ای به آن دسته از برنامه‌های آموزشی سازمان‌دهی شده‌ای اطلاق می‌شود که در آن دوره‌هایی با توالی مستقیم مربوط به آماده‌سازی برای استخدام افراد در مشاغل موجود و یا در حال ظهور که نیازمند چیزی بیش از مدارک تحصیلی دانشگاهی و آکادمیک است ارائه می‌شود که مشتمل بر مهارت‌ها و شایستگی‌های اساسی و کلیدی و مهارت‌های شغلی خاص ضروری برای استقلال اقتصادی تولیدی و کمک به‌عنوان یک عضو جامعه است (مک‌وای، ۲۰۰۱). از منظر نظریه سرمایه انسانی نیز با وجوئیکه آموزش عمومی موجد سرمایه عمومی است اما آموزش فنی و حرفه‌ای موجد سرمایه اختصاصی است که مزیت آموزش فنی و حرفه‌ای این است که به اتکای مهارت‌های کسب‌شده دارندگان آن را برای به دست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث گردیده است که در بیشتر کشورهای جهان حتی در

سیستم‌های تعلیم و تربیت آن‌ها از دیرباز در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز موردنظر واقع گردند (بکر، ۱۹۶۴).

از سوی دیگر تحولات در عرصه فناوری ارتباطات و اطلاعات فرصت جدیدی را برای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای فراهم کرده است تا از طریق برنامه‌ریزی‌های راهبردی نیاز جامعه را برطرف نماید. برآیند این تحولات شکل‌گیری ساخت جدید از سازوکارهای اقتصادی با محوریت دانش است که در آن نیروی کار با تکیه بر حوزه‌های نوین دانش می‌تواند نقش مهم‌تری در بازار کار و تولید ایفا نماید (عزیزی و علیخانی، ۲۰۱۳). نمودار زیر گرایش‌های در حال پدید در حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای را ترسیم می‌کند. ملاحظه چنین روندی ضرورت بازبینی در چشم‌انداز، رسالت، راهبردها و اهداف برنامه‌های راهبردی در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و دیگر سازمان‌های آموزشی را دوچندان ساخته است.



نمودار شماره ۱. گرایش‌های در حال پدید آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی

(عزیزی و علیخانی، ۲۰۱۳)

مضافاً تحولات ناشی از پیشرفت‌های علمی و فناوری نقش دیرین آموزش و پرورش را به‌کلی دگرگون ساخت، به‌گونه‌ای که در برنامه‌ها، محتوای درسی و روش‌های تعلیم و تربیت تغییرات اساسی ایجاد کرده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها توسعه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

می‌باشد (امین‌بیدختی، ۱۳۸۳). سازمان یونسکو معتقد است، آموزش فنی و حرفه‌ای باید بخش مکمل نظام آموزشی همه‌جانبه باشد، از این رو باید به محتوای فرهنگی آن توجه کافی شود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید همگام با آموزش‌های عمومی شخصیت و منش فرد را نیز پرورش دهد (متین، ۱۳۹۰). تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای در افزایش بهره‌وری افراد از موضوعات مهمی است که از نیمه دوم قرن بیستم و با طرح نظریه سرمایه انسانی توسط نظریه‌پردازان اقتصادی مورد توجه قرار گرفت، بر مبنای این نظریه، آموزش ظرفیت‌های مولد افراد را افزایش می‌دهد و منافع آتی برای آن‌ها به همراه دارد (نادری، ۱۳۸۳، ص ۲۱، به نقل از ریکاطرهانی، ۱۳۹۲).

از جمله مباحثی که بر اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌افزاید این است که فرد را برای ورود به بازار کار غنی و پربار می‌سازد و توانایی‌ها و ظرفیت‌های لازم را در او ایجاد می‌کند. همچنین برای گروه‌های تحت فشار نظیر، زنان و گروه‌های به حاشیه رانده شده به‌ویژه در بخش روستایی می‌توان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را یک مسیر مهم جهت زندگی بهتر دانست. از سوی دیگر آموزش و پرورش سلاحی قدرتمند در برابر فقر و گرسنگی و برای توانمندسازی زنان است (اینیورادا و ردی، ۲۰۱۳) با این وجود در بسیاری جوامع و همچنین در بسیاری از حرفه‌ها شاهد تبعیض جنسیتی نسبت به زنان و همچنین عدم پذیرش آن‌ها در مشاغل هستیم. طبق پژوهش‌های انجام شده در مورد بازده اجتماعی، این آموزش‌ها در کشور انگلستان باعث اثرات مثبت بر ارتباطات بین نسلی، سلامت عمومی و یک محیط امن تر است و برای جوانان شرکت‌کننده در برنامه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سبب پیش‌گیری از رفتارهای ناسالم مانند سیگار کشیدن، مصرف الکل و یا اعتیاد به مواد مخدر و کاهش بروز بزهکاری می‌شود (یونیون، ۲۰۱۱). با توجه به این که فقر و مخصوصاً فقر اقتصادی تأثیر بسیار زیادی بر وقوع جرم دارد بایستی با برنامه‌ریزی مناسب فقر را کاهش داد. در این زمینه تلاش سیاستمداران و مدیران بایستی در جهت توسعه متوازن باشد تا از این طریق گروه‌های مختلف به یک نسبت از امکانات و شرایط مالی برخوردار باشند. همچنین بایستی با تأکید بر گروه زنان از طریق کشف استعدادهای نهفته آنان، از ارتکاب جرم زنان و بازگشت مجدد آنان به زندان‌ها جلوگیری به

عمل آید. با توجه به رابطه معنی‌دار بین بیکاری و ارتکاب جرم در زنان، نیاز به سرمایه‌گذاری و توجه بیش‌تر به اشتغال برای زنان و مخصوصاً جوانان و قشر تحصیل‌کرده می‌باشد (شاهمیوندی، وانانی و سلطانی، ۱۳۸۹). با این وصف با بهره‌گیری از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌توان نه تنها از دامنه و شدت بیکاری افراد در جامعه جلوگیری کرد بلکه می‌توان میزان ارتکاب جرم در آن‌ها را کاهش داد.

به‌رحال زنگ خطر افزایش روزافزون تعداد افراد، خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی متأثر از آسیب‌های اجتماعی از مدت‌ها پیش به صدا در آمده است. بر این اساس آسیب دیدگان اجتماعی به‌عنوان اقشاری شناخته می‌شوند که نه تنها قادر به سازگار کردن خود را با شرایط جامعه نبوده بلکه ثبات و امنیت آن را نیز به خطر انداخته‌اند. این در حالی است که بسیاری از آن‌ها به دلیل ضعف در نداشتن مهارت‌های لازم نتوانسته‌اند کارکردهای اجتماعی مطلوبی را از خود نشان دهند. بنابراین هدایت آن‌ها در مسیر صحیح خواهد توانست در پروسه توانمندسازی و بازگرداندن آن‌ها به زندگی اجتماعی بسیار مؤثر واقع شود.

از این‌رو پیشگیری از تکرار جرم، مستلزم بینشی وسیع است که نسبت به اتخاذ روش‌هایی جهت اصلاح و بازپروری فردی بزه‌کاران و یا توجه به زمینه‌های بروز و ظهور بزه، از قبیل بیکاری، سوء‌مصرف مواد مخدر و یا اعتیاد به آن و به‌طورکلی، شرایطی که منجر به ورود و پایداری فرد در ارتکاب جرم و حرفه‌ای شدن در آن می‌شود، اقدام کنند (غلامی، ۱۳۸۲). لذا به این نوع آموزش‌ها به‌عنوان ابزاری برای مقابله با بیکاری بالأخص بیکاری ساختاری که ناشی از تغییرات در اقتصاد جهانی می‌باشد، نگریده می‌شود.

هرچند یکی از ابزارهای اصلاحی سازمان زندان‌ها در زمان حبس زندانیان، برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی است اما هدایت زندانیان به سمت آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در رشته‌های مختلف ارائه‌شده توسط سازمان فنی و حرفه‌ای کشور به‌خصوص رشته‌های درآمدزا و پرکاربرد نوعی آینده‌نگری در جهت اصلاح زندانیان است؛ زیرا باهدف افزایش توانایی مددجو در ساختن زندگی مجدد و تلاش برای جبران گذشته است (رازانی، ۱۳۹۰). با این حال به نظر می‌رسد که زندانیان زن در مقایسه با مردان همانند سایر زمینه‌ها، در زمینه آموزش شغلی و حرفه‌آموزی نیز مورد تبعیض قرار می‌گیرند. بانوان زندانی به علت کم تعداد بودن از

طرفی و اسکان آن‌ها در ساختمان‌های مجزا از زندانیان مرد از طرف دیگر، به بعضی از برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی سازمان زندان‌ها دسترسی ندارند. از طرف دیگر چنین پنداشته می‌شود برنامه‌هایی که زنان زندانی ممکن است به آن‌ها دسترسی داشته باشند می‌بایست برای جنسیت زن مفید واقع شود که این امر سبب تحدید برنامه‌های مهارت‌آموزی به حوزه‌های مشخصی نظیر دوزندگی و صنایع دستی می‌شود. از طرف دیگر فقدان مرکزی برای نگهداری کودکان همراه مادران زندانی در زندان‌ها فعالیت مهارت‌آموزی زنان زندانی و مشارکت آنان در دوره‌های باز توانمندسازی را با چالش مواجه می‌سازد (فرقدان، ۱۳۸۸)؛ امری که نیازمند چاره‌اندیشی مناسب است. مسلماً تأمین فرصت‌های مساوی برای حرفه‌آموزی برای بانوان زندانی و کمک به آن‌ها جهت به‌دقت آوردن شغل پس از آزادی از زندان، نقش مهمی در استقرار مجدد آنان در جامعه ایفا می‌نماید. در این راستا همکاری، هماهنگی و تعامل سازنده میان سازمان امور زندان‌ها، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و دیگر نهادهای مسئول می‌تواند در نیل به این هدف بسیار مؤثر باشد.

با عنایت به این‌که در حال حاضر و بر اساس پروتکل میان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و سازمان امور زندان‌ها فرایند باز توانمندسازی زندانیان در زندان‌ها در جریان و دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی مختلفی به زندانیان ارائه می‌گردد، این مطالعه در پی آن است تا با تحلیل اثرات آموزش‌های ارائه‌شده در زندان راه‌های ترویج و بهبود کیفیت این آموزش‌ها در زندان‌ها مورد واکاوی علمی قرار گیرد.

### پیشینه تحقیق

از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد علل و عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر جرائم زنان می‌توان به پژوهش‌های ملکمیان و شریفیان (۱۳۸۸)، حسینی و صالحی (۱۳۹۰)، دیوان بیگی و مهدی پور رابری (۱۳۹۲) و گلچین (۱۳۸۵) اشاره داشت که نتایج پژوهش‌ها حاکی از این است که جرائم زنان بیشتر شامل اعتیاد، مواد مخدر، قتل، روسپیگری، سرقت و کلاه‌برداری است. این جرائم در فقر اقتصادی، بیکاری، فقدان والدین، والدین معتاد و مجرم، سطح تحصیلات، سن پایین ازدواج، محیط زندگی نامناسب، ازهم‌گسیختگی خانواده و تا حدودی کم بودن میزان تعلقات اجتماعی ریشه دارد. اسد الهی، محسنی تبریزی و براتوند (۱۳۸۸) در

مطالعه «نقش مراکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان» دریافتند که تشویق و ایجاد تسهیلات برای اخذ مدارک و تخصص‌های آموزش‌شده و مراکز فنی و حرفه‌ای در دوران حبس به دلیل رابطه قوی با سطح اشتغال و پیشگیری از بروز جرم در زندانیان زن، مفید است. از پژوهش‌های انجام‌شده خارجی نیز می‌توان به تحقیقات پتی<sup>۱</sup> و کروث (۲۰۱۱)، راجرز<sup>۲</sup> و کریگ (۱۹۹۳) و استفان<sup>۳</sup> و اولیویه (۲۰۱۰) اشاره کرد. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که اجرای موفق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یک هدف آماده‌سازی زندانیان برای نقش مولد و بازگشت موفق به جامعه است. در واقع آموزش فنی و حرفه‌ای سیاستی برای کاهش جرم است که دارای منافع اجتماعی قابل توجهی است. کلايو<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) در تحلیل کارکردهای آموزش فنی و حرفه‌ای به دستیابی افراد آموزش‌دیده به شغل و آموزش بهتر به‌عنوان کارکردهای مهم این نوع آموزش‌ها اشاره کرده است. او دریافت که برای رسیدن به چنین کارکردی باید از آموزش‌های بهنگامی که دارای تأثیر بسزایی هستند، بهره گرفته شود. نتایج پژوهش انیسورادا و ردی (۲۰۱۳) با عنوان "توانمندسازی زنان روستایی از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای" نشان داد که برای توانمند ساختن زنان روستایی خط‌مشی‌های آموزش و کارآفرینی می‌بایست متناسب با نیاز زنان و دختران روستایی، آموزش‌های کشاورزی، آموزش‌های فنی همراه با آموزش حساب و سوادآموزی، آموزش مسائل جنسیتی و مهارت‌های زندگی، مانند: بهداشت و تغذیه، اعتمادسازی، مذاکره و مهارت‌های رهبری باشد. بر اساس نتایج این مطالعه می‌توان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌منزله یک سلاح مناسب برای مقابله با فقر و گرسنگی و برای توانمندسازی زنان بهره گرفت. به‌رحال بر اساس گزارش نتایج اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای نظیر سوئد، نروژ، لیتوانی، پرتغال، آلمان و بریتانیا، کاهش بیکاری محلی و ملی، ایجاد فرصت‌های اجتماعی بیشتر، کاهش محرومیت اجتماعی، افزایش اشتغال با بهبود شرایط اقتصادی، بهبود وضعیت روانی افراد معلول و افزایش اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس آن‌ها، جلوگیری از رفتار ناسالم، مانند سیگار کشیدن، مصرف الکل و یا اعتیاد به مواد مخدر، و کاهش بروز بزهکاری، اثرات مثبت بر ارتباطات بین نسلی، سلامت عمومی بهتر

۱ . Pettit & Kroth

۲ . Rogers & Craig

۳ . Stephen & Olivier

۴ . Clive

شده و محیط امن‌تر، شکل دادن به توسعه حرفه‌ای و شخصی را می‌توان از جمله آثار مثبت فردی و اجتماعی این آموزش‌ها برشمرد (یونیون، ۲۰۱۱). بنابراین از بررسی مزایای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌توان دریافت که توجه به اثرات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش جرم و ادغام گروه‌های محروم و حاشیه‌ای به بازار کار از مهم‌ترین اموری بوده است که در کشورهای مختلف بسیار مورد توجه بوده و به آن به بهاداده شده است.

### اهداف و سؤالات تحقیق

هدف این پژوهش تبیین و تفسیر تجارب زیسته زنان باسابقه زندان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و درک آنان از اثربخشی این آموزش‌ها در حیات فردی، اجتماعی و اقتصادی بعد از خروج از زندان می‌باشد. برای این منظور بررسی سؤالات زیر در دستور کار پژوهشگران قرار گرفت:

۱. مشارکت‌کنندگان چه درکی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان داشته‌اند؟
۲. ارزیابی مشارکت‌کنندگان از اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان چگونه است؟

### روش تحقیق

جهت انجام پژوهش حاضر از رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است. هدف تحلیل پدیدارشناختی، درک و استخراج معنای ذاتی موجود در پدیدار یا ذات پدیده مورد مطالعه است (محمدپور، ۱۳۹۰) پدیدارشناسی از نظر لغوی، عبارت است از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع، و توصیف آن‌ها با در نظر گرفتن نحو بروز تجلی آن‌ها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی. در نگاه دیگر اگر پدیدارشناسی را معناشناسی بدانیم، معنایی که در زندگی انسان پدیدار می‌شوند، یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. این نظام معنایی با اضافه نمودن وجود به زمان و مکان به دست می‌آید و شناسایی این نظام معنایی نیز از همین راه حاصل می‌شود؛ یعنی یک شناخت مضاف به زمان و مکان که آن را «تجربه زندگی» می‌نامند. همچنین در پژوهش حاضر در فرایند گردآوری داده‌ها نیز از روش مصاحبه عمیق بهره گرفته شد. سؤالات از قبل طراحی شده بود که هدف آن کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه‌شونده بود (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۵۳۸).



مشارکت‌کنندگان در این پژوهش زنان زندانی شهر سندج بودند که از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه‌شده در زندان بهره‌مند شده بودند که در انتخاب آنان از روش نمونه‌گیری هدفمند (ملاکی) استفاده شد. در این روش انتخاب شرکت‌کنندگان تا جایی ادامه پیدا می‌کند که دیگر مفهومی به مفاهیم قبلی اضافه نشود. به همین منظور تعداد نمونه مورد مصاحبه بر اساس اصل اشباع در حجم نمونه در نظر گرفته شده است (استراس و کوربین، ۱۹۶۷). و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل مضمونی به کار گرفته شده است.

اسمیت و همکارانش معتقدند یک فرایند متمایز و سیستماتیک برای تحلیل داده‌ها مبتنی بر تحلیل مضمونی است و برای متون با اطلاعات خاص در پدیدارشناسی تفسیری مورد استفاده قرار می‌گیرد (Larkin, Watts and Clifton, ۲۰۰۶; Smith, ۱۹۹۹; Smith, Flowers and Larkin, ۲۰۰۸; Smith and Osborn, ۲۰۰۹).

در تحلیل مضمونی باید نگرشی گشوده نسبت به قضیه داشت و بر رهیافتی در جهت گردآوری داده‌ها استوار بود تمرکز اساسی در تحلیل مضمونی مبتنی بر تلاش مشارکت‌کنندگان برای بیان تجربیات خود و فرایندی است که از توصیف به تفسیر پیش می‌رود.

### یافته‌های تحقیق

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش کسانی هستند که دارای تجربه زیسته در رابطه با سؤالات پژوهش می‌باشند تا بتوانند جوابگوی سؤالات پژوهش باشند. این پژوهش بر اساس چهار بعد اصلی یعنی زندگی قبل از زندان، محیط زندان، آموزش و انگیزه مددجویان از شرکت در آموزش در جهت واحد اصلی تحلیل، یعنی تجارب زیسته زنان زندانی از آموزش در زندان، تحلیل می‌شود. در تحلیل هر بعد به تم‌های اصلی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پیرامون تجارب خود از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان رسیدیم.

#### ۱. زمینه‌های قبل از زندان

پژوهش حاضر با در نظر گرفتن شرایط قبل از زندان مددجویان شروع شده است و با توجه به مواردی که برای آن‌ها مهم و مورد توجه بود به چهار زمینه فردی، خانوادگی، اقتصادی و زندگی زناشویی تقسیم می‌شود. زمینه فردی اشاره به فقدان آگاهی و بلوغ اجتماعی (فقر تجربه) مشارکت‌کنندگان دارد، در واقع این قوه دربرگیرنده‌ی فقدان بلوغ اجتماعی از دید مددجویان

است در واقع بسیاری از مددجویان در گذشته خود چیزی دارند که آن‌ها را در آن زمان در درون یک زندان دیگر قرار داده است که آن‌ها را از به دست آوردن آگاهی اجتماعی بازمی‌داشته است عواملی که ربطی به زندگی آن‌ها نداشته و فقط آن‌ها را درگیر خود نموده است و افرادی با ویژگی‌های چون: فقر محبت، انزوا، تندخو بودن، زود از کوره در رفتن، ناآگاهی، بی‌تجربگی تربیت می‌کند. این ویژگی‌هایی هستند که به جرات می‌توان از چهره و رفتار مددجویان مورد مصاحبه دریافت کرد که خودشان نیز به مشکل‌ساز بودن آن اعتراف می‌نمودند و به نوعی ابراز پشیمانی نیز می‌کردند. در این رابطه اکثر مددجویان اظهار پشیمانی نموده و علل اصلی جرم و زندانی شدنشان را به خود ربط می‌دهند، بعضی از آن‌ها توصیف جالبی از اخلاقیات خود ندارند و اخلاق و شخصیت خود را علت سازگار نشدن با مشکلات زندگی می‌دانند در این رابطه مشارکت‌کننده شماره «۱» بیان می‌کند که: «قبلاً تندخو و عصبی بوده‌ام، با خانواده‌ام درگیر می‌شدم با کوچک‌ترین حرفی از کوره درمی‌رفتم، اصلاً سالی یک ماه از خونه بیرون نمی‌رفتم و از دنیای بیرون غافل بودم که این بلا سرم او مد. خانه‌دار بودم و کاری نداشتم، از خونه بیرون نمی‌زدم و همش تو خونه بودم دیگه خونه نشین شده بودم».

زمینه اقتصادی اشاره به زندگی در حاشیه‌های زندگی استاندارد (فقر مضاعف)، همچنین زمینه اقتصادی نیز دربرگیرنده‌ی مسائلی همچون: فقر و زندگی پایین‌تر از حد نرمال و عدم تأمین نیازهای زندگی است. در این رابطه مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان می‌کند که: «هیچی نداشتم شوهرم هر چی درمی‌آورد می‌داد مواد. خودم خرج خانواده رو درمی‌آوردم با قالیبافی یا خانواده‌ام به هم می‌دادن».

زمینه خانوادگی نیز اشاره به آشفتگی‌های فرهنگی و عاطفی (فقر عاطفه) دارد. در این راستا به ذکر نقل‌قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان می‌پردازیم. مصاحبه‌شونده شماره «۷» می‌گوید: «مسبب همه‌ی بدبختی من خانواده‌ام بودند، پدرم معتاد بود، هفت خواهر بودیم با دو برادر که یکی از برادرم مریضی سختی داشت».

و زمینه زندگی زناشویی از دید مددجویان بیانگر ازدواج تحمیلی، طلاق و مواد مخدر (بحران زناشویی) است. در این رابطه مشارکت‌کنندگان به دو مورد اصلی اشاره داشتند و آن‌هم مشکلات اعتیاد و طلاق بود که اکثر آن‌ها به نوعی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردند و سعی

داشتند در گفته‌های خود تأثیرات مخربی که بر زندگی آن‌ها داشته است را بارزتر نشان دهند در این مورد مصاحبه شونده شماره «۳» می‌گوید: «من یک زن طلاق گرفته بودم با یک دختر، هزینه‌های زندگی‌ام خیلی زیاد بود و درآمدی نداشتم به هم پیشنهاد این کار رو دادن و من هم چون خیلی برام منفعت داشت پذیرفتم، به جای مهریه‌ام دخترم رو انتخاب کردم یه مدت از سالمندان نگهداری می‌کردم دی‌گه نتوانستم چون هم درآمدش کم بود هم دخترم بی‌سرپناه می‌شد با کدوم درآمد باید اجاره خونه می‌دادم، زندگی‌ام رو چطور می‌گذرندم او نم‌توی تهران».

## ۲. زندگی در محیط زندان، آموزش برداشت افراد از نقش و شرایط زندان

در جریان این مصاحبه زندان از دید مددجویان به عنوان مکانی که برای جستجوی زندگی از دست‌رفته عمل می‌کند، مکانی که مددجو با دیگران ارتباط و تعامل برقرار نموده و عبرتی که از زندگی گرفته بیان می‌کنند، مکانی که توانایی‌ها و شخصیت خود را کشف نموده و درصدد تقویت آن می‌باشند، مکانی که به جامعه‌ای از خلاف‌کاران واردشده تا از وجود آن‌ها درس عبرت گرفته و به‌عنوان یک زن بتوانند در جامعه حضور یابند و از گوشه‌گیری و انزوا رهایی یابند. در این رابطه مصاحبه‌شونده شماره «۷» بیان می‌کند که: «من اول که او مدم گفتم شاید این دفعه خالهام رو نکشتم ولی بعد از آزادی حتماً او را می‌کشم ولی بعد از مدتی که در جو زندان قرار گرفتم نظرم عوض شدم شاید بهتره بگویم اصلاح شدم».

و همچنین مصاحبه‌شونده شماره «۸» نیز اظهار داشت: «در کل درسته به زندان می‌گن کانون اصلاح و تربیت ولی به نظرم جوری شبیه دانشگاه است، آدم خیلی چیزها یاد می‌گیره. من فکر نمی‌کنم زندان است فکر می‌کنم دانشگاه است. خیلی مهارت‌های زندگی، تفکر، تفکر انتقادی، خیلی چیزها یاد گرفتم ذهنم از هر چه که قبلاً بود خالی شد. مثل یک استاد هستن واسمون».

## ۳. آموزش در زندان (تعامل زندان و زندانی): اجبار، استقلال، تجربه

همان‌طور که از موضوع پژوهش مشاهده می‌شود ما در پی بررسی آموزش‌هایی که تحت عنوان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان اتفاق می‌افتد هستیم. در بررسی این آموزش‌ها با توجه به بیانات مشارکت‌کنندگان و با توجه به آنچه مشهود بود در جریان ارائه این آموزش‌ها ما به یک توالی می‌رسیم که نحوه ارائه آموزش‌ها و اثرات آن‌ها را شرح می‌دهد. در ابتدا این

توالی، اجبار، بعدازآن تجربه و درنهایت استقلال و علاقه مضاعف مددجو برای حضور مستمر در این دوره‌های حرفه‌آموزی است.

### الف) الزام قانونی حضور در دوره‌های آموزشی

در جریان مصاحبه‌ها مددجویان به یک توالی اشاره داشتند که در جریان ورود به زندان رخ می‌داد درواقع در ابتدای ورود آن‌ها با نوعی اجبار نامحسوس برای حضور در کلاس‌های برگزارشده روبرو بودند. بعضی از آن‌ها در ابتدا نوعی مقاومت در ورود به این کلاس‌ها از خود نشان می‌دادند ولی باگذشت زمان و برپایه مشاهداتشان از روند فعالیت‌های آموزشی و ملاحظه نوع و نحوه برخورد مربیان با مددجویان از طرفی و استقلال مالی و مهارتی مددجویان باسابقه که در دوره‌های گذشته این دوره‌ها شرکت کرده بودند، به‌تدریج به این کلاس‌ها علاقه‌مند شده و به‌صورت مستمر در کلاس‌ها حضور یافته‌اند. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره «۲» اظهار می‌کند: «در ابتدای کار آموزش‌ها اجباری است می‌گن حتماً باید در یک کلاس شرکت کنید ولی بقیه‌اش به عهده خودمون است».

### ب) اشتیاق و انگیزه فردی

در مرحله بعد از حضور الزامی، مددجوی واردشده در جریان آموزش به‌نوعی کسب تجربه می‌کند و به رضایت درونی از خود می‌رسد و همچنان علاقه‌ی او برای کسب تجارب مفید آموزشی بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود. او درمی‌یابد که با حضور در این دوره‌ها نه‌تنها چیزی از دست نداده است بلکه بر توانایی‌های مفید او افزوده‌شده است و این باعث می‌شود که روزبه‌روز بر علاقه‌ی او افزوده شود. آنچه مددجویان در جریان این آموزش‌ها کسب می‌کردند توانایی ورود به کار و حرفه، بهره‌گیری از دوره‌های متنوع و باکیفیت، قدرت مواجهه با سختی‌ها، نظم و سامان دادن به امور و از همه مهم‌تر کسب تجارب اخلاقی در تعامل با دیگر مددجویان و مربی‌های آموزش‌دهنده بود. آن‌ها بیان می‌کنند حضور در این آموزش‌ها علاوه بر کسب تجربه نوعی سرگرمی بود که آن‌ها را از افسردگی زندان نجات داد. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره «۱» اظهار کرد: «آموزش‌ها از لحاظ تنوع خیلی خوبه، خیلی چیزها رو یاد می‌گیریم، هر سه ماه یک‌چیزی رو آموزش می‌دهند تا زمانی که دیگر ماهر شویم، بعد

امتحان تئوری و عملی از ما می‌گیرند اونوقت مدرک صادر می‌کنند، باید از طرف سازمان فنی و حرفه‌ای بیان نظارت کنند که واقعاً کار بلد شدیم اونوقت مدرک بهمون می‌دهد».

### ج) استقلال

در مرحله بعد مددجویان به استقلال ناشی از این آموزش‌ها اشاره داشتند، استقلالی که تمام جوانب زندگی آن‌ها را در برمی‌گرفت. با توجه به مصاحبه‌هایی که با مددجویان انجام گرفته همه‌ی آن‌ها حضور در دوره‌های حرفه‌آموزی را به‌نوعی عامل اصلی برای تبحر در کار، توانایی حضور در کار، عاملی برای استقلال مالی در تأمین هزینه‌های زندان و بی‌نیاز شدن از لحاظ مالی، عامل سازنده شخصیت و مستقل بودن، عدم وابستگی به افراد ذکر می‌کردند. آن‌ها بیان می‌داشتند که دیگر می‌توانند به‌تنهایی از پس زندگی خود برآیند و آینده‌ی پیشروی خود را بسازند. مصاحبه‌شونده شماره «۲» اعتقاد دارد که: «آموزش‌ها جوریه که ما می‌توانیم هزینه خودمون رو تهیه کنیم، حتی هزینه و مخارج خانواده خود را نیز به دست می‌آوریم».

۴. انگیزه مددجویان از حضور در دوره‌های مهارتی و حرفه‌آموزی: بازسازی خویشتن به‌واسطه کار در تحلیل انگیزه حضور و استمرار حضور مددجویان در دوره‌های مهارتی و حرفه‌آموزی به‌ویژه در مراحل تکمیلی و پیشرفته دوره‌ها، مشارکت‌کنندگان به ابعاد و علل متفاوتی اشاره کرده‌اند که در میان آن‌ها می‌توان به سه تم محوری زیر اشاره کرد:

### الف) اهداف مالی

در جامعه و زمان حاضر مشکلات اقتصادی چیزی است که کم یا زیاد گریبان‌گیر همه می‌باشد و هرکسی برای رهایی از آن در پی انجام اقداماتی برمی‌آید، و مشارکت‌کنندگان نیز برای رفع آن سعی در یادگیری و آموختن حرفه برای حداقل رفع هزینه‌های روزمره زندگی خود هستند. از دید مصاحبه‌شونده شماره «۲» مددجوها خرج و مخارج زندان خود را از این آموزش‌ها به دست می‌آورند و حتی پس‌انداز هم دارند و بعضی‌ها هم خرج خانواده خود را از این درآمدها می‌دهند. «من علاوه بر این که مخارج خودم رو درمی‌آورم هزینه‌ای دخترم رو هم پرداخت می‌کنم و از این بابت که می‌تونم خرج دخترم رو بدم خیلی خوشحالم که حداقل این کارها رو بکنم و خرجی داشته باشم».

### ب) حل معضل اشتغال در آینده

بیکاری معضلی اساسی در زندگی انسان می‌باشد، و هر فرد سعی دارد تا از دام بیکاری و مشکلات آن فرار نماید. مددجوهای مورد مصاحبه در زندان که با توجه به مصاحبه‌های انجام شده اکثر آن‌ها بیکار هستند سعی دارند تا در زندان با توجه به شرایط فراهم شده برای حرفه‌آموزی بتوانند شرایط لازم برای اشتغال خود بعد از آزادی را فراهم نمایند. مصاحبه‌شونده شماره «۹» در این مورد بیان می‌کند: «من هدفم این بود چیزهایی که در زندان یاد بگیرم برای زندگی بیرون از زندانم که بتوانم راحت زندگی‌ام را بچرخانم و امرارمعاش کنم.» و مصاحبه‌شونده شماره «۷» در این مورد اظهار می‌کند: «چون مدرک داریم می‌توانیم از کارهایی که یاد بگیریم حتی با درآمد بیش‌تر در آینده استفاده کنیم.»

### ج) بازسازی خویشن

ذات بشر همیشه در طلب خوبی و پاکی است و سعی دارد تا خود را از آغشته شدن به ناپاکی دور نماید. کار عاملی است که فرد را از تفکرات منفی دور می‌دارد و باعث می‌شود از روی نیاز دست به هر جرمی نزند. مددجوهای شرکت‌کننده در پژوهش که یکبار گرفتار جرم شده‌اند سعی دارند تا با حرفه‌آموزی شخصیت خود بسازند و خود را از چنگال جرم و زندان نجات دهند در همین مورد بر اساس گفت‌وگوهای مصاحبه‌شونده شماره «۹» استفاده و بهره‌گیری از این آموزش‌ها می‌تواند عامل مؤثری باشد که دوباره سراغ خطا و جرم نروند. بر این اساس مصاحبه‌شونده شماره «۷» عقیده دارد که: «آدم آگه بخواد با این چیزهایی که یاد می‌گیره می‌تواند زندگی مستقلی داشته باشد و هیچ‌وقت سراغ خلاف و جرم نرود.»

### ۵. برداشت مددجویان از کارآمدی آموزش‌های ارائه شده در زندان

اثرات توانمندسازی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دربرگیرنده اثراتی است که فرد مددجو را مستقل بار آورده و توان برخورد منطقی با مسائل و مشکلات زندگی، توانمندی نه گفتن به جرم و خلاف و قدرت کارآفرینی و هر کار مثبت را در او به وجود می‌آورد، در پژوهش حاضر بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با مددجوها اثرات این آموزش‌ها در چهارتم قابل بررسی می‌باشد که می‌توان نمود آن‌ها را درتم بنیادی مطالعه یعنی بازسازی خویشن به‌واسطه کار تجسم کرد.

### الف) خودکفایی اقتصادی و مالی

اثراتی که تحت عنوان اثرات توانمندسازی اقتصادی و مالی عنوان شده دربرگیرنده استقلال مالی مددجو، تأمین هزینه‌های زندان، صرفه‌جویی در وقت و هزینه مددجو برای یادگیری، رضایت از شرایط مساعد مالی فراهم شده می‌باشد. در ادامه به ذکر گزیده‌هایی از نقل قول‌های مربوطه می‌پردازیم. بر اساس گفت‌وگوهای مصاحبه‌شونده شماره «۱» هدف مددجو بهره‌گیری به‌عنوان یک منبعی که بتوان درآمد و مخارج زندگی خود را تأمین کرد می‌باشد که فرد را به‌نوعی بی‌نیازی و استقلال می‌رساند. «من بیش‌تر هدفم از استفاده از این آموزش‌ها به‌عنوان یک منبع درآمد بوده، من به هدفم رسیدم اگر از روز اول می‌تونستم با یکی از این کارها یک‌گوشه زندگی مو می‌گرفتم این جور نمی‌شدم».

### ب) نهادینه شدن روحیه کارآفرینی و اشتغال

اثرات توانمندسازی شغلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز دربرگیرنده توانایی و تبحر مددجو در انجام حرفه یاد گرفته‌شده و استفاده مفید از آن در محیط زندان و بعد از آزادی است. این‌که مددجو در چه حدی توانمند شده و در کار پیاد گرفته‌شده مهارت کسب نموده و با فن کارآفرینی و اشتغال آشنا شده است نشان‌دهنده توانمند شدن او می‌باشد که بر اساس اظهارات و بیانات خود مددجوها فردی که وارد آموزش می‌شود به‌طور اساسی مهارت لازم را در کار و حرفه یاد گرفته شده کسب می‌نماید و قدرت و توانایی بهره‌مند شدن از آن را دارد. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره «۲» معتقد است که: «من اینجا همه‌چیز رو یاد گرفتم الان هر چیزی رو به هم به گن می‌توانم درست کنم. نحوه برخورد رو یاد گرفتم که اگر فردا وارد محیطی شدم که آموزش دهنده بودم بتونم با کارآموزم خوب برخورد کنم».

### ج) بازسازی روحی، روانی و تربیتی

اثرات توانمندسازی شخصیتی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دربردارنده اثراتی است که فرد به این توانایی می‌رسد که حتی اگر در موقعیت جرم قرار بگیرد به حدی به لحاظ شخصیتی توانمند شده است که مرتکب جرم نمی‌شود. درواقع فرد قدرت تصمیم‌گیری، حاکم شدن نظم و مقررات در زندگی، احساس ارزش و وجود داشتن، قدرت مواجهه با مشکلات، اعتماد و اطمینان به خود جهت انجام ندادن عمل خلاف و به‌طورکلی پی بردن به مفهوم خود واقعی را به دست می‌آورد. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره «۹» معتقد است که: «آدم آنجا هیچی که

آموزش می‌بیند شخصیتش هم تغییر می‌کند، من خودم هم وقتی که می‌روم سراغ یک کار و حرفه صد درصد رفتار و شخصیتم هم عوض می‌شود که بتوانم خودم را بازسازی کنم که دیگران قبول داشته باشند»

#### د) بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم و کاهش آسیب‌های اجتماعی

آنچه در روند مصاحبه مشاهده می‌شد نوعی ندامت از جرم و عدم تمایل مددجویان به ارتکاب مجدد جرم بود. در واقع مددجویان بیان می‌کردند که دیگر حاضر نخواهند شد که با اعمال نابجای خود از خانواده و جامعه طرد شوند و در سخت‌ترین شرایط حاضر به ارتکاب جرم نخواهند شد و این که کار کردن را عامل بازسازی خود می‌دانستند. مددجویان حضور در این کلاس‌ها را صرفاً برای آموختن حرفه ترجیح نمی‌دادند بلکه به جنبه سازنده روحیه و امید به زندگی به‌دوراز خطا تأکید داشتند. مصاحبه‌شونده شماره « ۱ » اظهار می‌کند: «من توی همین زندان هم موقعیت جرم داشتم ولی دیگر تکرار نشد من می‌تونستم طلا، پول و یا هر چیزی دیگر بدون این که کسی بفهمه رو بردارم ولی این کار رو نکردم آگه قرار است برم بیرون خطاکار باشم نمی‌خوام هیچ وقت آزادباشم نمی‌خوام دوباره آبرویم برود».

به‌رحال تحلیل تجربه و دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش در خصوص راه‌های بهبود اثربخشی این دوره‌ها مبین نکات قابل توجهی است که توجه به آن‌ها توسط هم‌سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و سازمان امور زندان‌ها می‌تواند در توفیق هرچه بیشتر این دوره‌ها و تقویت نقش توانمندسازی آن مؤثر واقع شود. این پیشنهادات از بعد آموزشی و حمایتی قابل تأمل هستند.

دسته اول پیشنهادات اصلاحی به محیط آموزش، مربی‌ها و تنوع آموزش‌ها مربوط می‌شود و بیش‌تر مشارکت‌کنندگان خواستار توجه ویژه و فراهم‌سازی شرایط مطلوب‌تر آموزشی در برگزاری دوره‌ها و بهره‌گیری از طیف متنوع‌تر و کارآمدتری از مربیان مجرب و کارآمد بودند. مصاحبه‌شونده «۲» در این رابطه معتقد بود که: «پیشنهاد من این است که در داخل زندان کلاس‌ها جداگانه برگزار شود، تعداد مربی‌ها مون زیاد به شه هر رشته یک مربی، چون در حال حاضر همه کلاس‌های فنی و حرفه‌ای توسط یک مربی و در یک کلاس آموزش داده می‌شود».



دسته دوم پیشنهادات مشارکت‌کنندگان بر راهکارهایی تمرکز داشت که در راستای حمایت آن‌ها بعد از آزادی از زندان و بیش‌تر به کمک‌های اقتصادی مانند اعطای وام‌های با درصد کم برای شروع به کار و همچنین به‌کارگیری در کارگاه‌ها و تولیدی‌ها زیر نظر خود مراکز فنی و حرفه‌ای و سازمان زندان‌ها اشاره داشتند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره «۱» بیان می‌کند که: «دیگر این‌که اگر مابعد از آزادی یک سرپناه داشته باشیم (کارگاهی، شرکتی و یا یک تولیدی) که بتونیم آنجا مشغول بشویم و از این توانمندی هامون استفاده کنیم» همچنین اشاره می‌کند که: دوستم بعد از یک هفته آزادی دوباره به زندان برگشت وقتی پرسیدم چرا؟ گفت همش تو این پارک‌ها بودم جایی نداشتم، کاری نبود که مشغول شوم، کسی نبود که ازم حمایت کنه که کارکنم و از این آموزش‌هایی که تو زندان گذر وندم استفاده کنم. و سرانجام خلاف و بازگشت به زندان».

#### بازسازی خویشتن به‌واسطه کار (تم بنیادی)

در تمام مباحثی که انجام شد سرانجام به این بحث بنیادی رسیدیم که اتفاقاً زنان بزهکار ابتداً در شکل‌گیری چیزی به نام سلف یا خویشتن دچار مشکل هستند درواقع به این معنا که نتوانسته‌اند به بلوغ عاطفی و اجتماعی دست یابند. ولی در درون زندان برای نخستین بار نتوانسته‌اند خود را بازسازی کنند که این خود شکل بگیرد. بنابراین از طریق حضور در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی مختلف از جمله آموزش‌های مهارتی و کسب مهارت و به‌تبع آن فراهم شدن امکان کسب‌وکار و تأمین یک منبع مالی دیدگاه خود را اصلاح کردند. البته این‌که آن‌ها در جریان زندان نتوانسته‌اند خود را بازسازی کنند به این معنا نیست که آن‌ها دارای خود نیستند بلکه دارای یک خود سرکوب‌شده و فقیر هستند که مستقل نیست و اعتمادبه‌نفس ندارند، بلکه به‌واسطه کار نتوانسته‌اند به استقلال مالی، یادگیری کار، (توانایی انجام کار که منجر به بالا رفتن اعتمادبه‌نفس آن‌ها می‌شود) برای نخستین بار دست یابند و به خود به‌عنوان انسان‌هایی مستقل و آگاه نگاه کنند. که درنهایت همه این موارد باعث می‌شود که خود را بازسازی نمایند.

و درنهایت این بحث آنچه می‌توان نتیجه‌گیری کرد اثراتی است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توانمندسازی مددجویان برای بازگشت موفق به جامعه داشته است. آموزش‌های ارائه‌شده

در زندان نقش اساسی در هدایت مددجو دارد و همه‌ی تم‌های ارائه‌شده در تحلیل اثرات و جوانب این آموزش‌ها در نهایت به این تم محوری و اساسی بازسازی خویشتن به‌واسطه کار ختم می‌شود. در واقع این آموزش‌ها با ورود مددجو به عرصه کار و رهایی از سستی و احساس ناتوانی ناشی از نادیده گرفتن روحیه کار را در او تقویت نموده و زنان زندانی ناامید از زندگی، که خود را باخته‌اند، برای بازگشت موفق به جامعه کمک می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه بررسی تجارب زیسته زنان زندانی و یا باسابقه زندان شهر سنندج از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان بود که با استفاده از تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفت و از طریق مصاحبه نیمه سازمان‌یافته در چهار زمینه تجارب زنان زندانی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان را به تصویر کشید نتایج پژوهش حاکی از این بود که در حوزه جرم‌شناسی زندان و مجازات برای کمک به اصلاح مجرم است و اتفاقاً زندان فی‌الفسه اصلاح‌گر نیست. آن چیزی که زندان را به اصلاح مجرم پیوند می‌دهد، واسطه‌ای به نام آموزش است. درگیر شدن زندانی از طریق آموزش با زندان و تجربه به دست آوردن و کار و اشتغال زمینه‌ای می‌شود برای بازسازی و اصلاح خویشتن. در جامعه ما و به‌ویژه در رابطه با زنان این مردسالاری و مصرف‌گرایی دست‌به‌دست هم داده‌اند که زنان را به ابژه جنسی و عروسک تقلیل دهند و یا آن‌ها بدون اراده و توانایی تصمیم‌گیری بر ساخت شوند و بنابراین زنان به‌صرف زن بودن در جامعه ما جایی برای پرورش خویشتن ندارند (صرفاً آرایشگاه و خانه‌داری و ازدواج را در اختیاردارند). حال در زندان آن‌ها به‌واسطه تنهایی، تجربه‌های دیگران مشارکت در بازگویی داستان‌های دیگران برای خود نخستین بار یاد می‌گیرند که چه جالب چیزی به نام شخصیت وجود دارد که آرایشگاه‌ها و عشق‌های خیابانی به آدم نمی‌دهد و شوهر و مواد و فقر آنچه را که بیش‌تر داشته‌ایم هم از ما می‌گیرد. آموزش و کار در زندان به زنان زندانی امکان کسب آگاهی جنسیتی و بازسازی و کشف خود را می‌دهد. بر اساس برنامه‌ی سازمان فنی و حرفه‌ای و امور زندان‌ها، در اقامتگاه‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت اقدام به آموزش مددجوها می‌شود و زندان‌های استان کردستان نیز از این امر مستثناء نیستند؛ لذا بر اساس سؤال پژوهش به بررسی سازوکار و نحوه اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کانون

اصلاح و تربیت زنان شهر سندج بر اساس تجارب کسب شده در طول مدت اقامت آنان در زندان پرداختیم. بر اساس مصاحبات انجام شده نتایج بحث حاکی از برگزاری کلاس‌های فنی و حرفه‌ای در زندان است. درباره اجبار و اختیار مددجو در مورد حضور در این کلاس‌ها نتایج بحث حاکی از این است که اجبار اولیه نامحسوسی بیش‌تر به صورت تشویق مددجو به آموزش وجود دارد، در واقع مسئولان زندان مددجو را در ورود به عرصه آموزش راهنمایی می‌نمایند، البته استثنائاتی در این موارد مبنی بر عدم حضور مددجویان در هیچ کدام از دوره‌ها وجود دارد ولی به طور کلی سعی بر حضور مددجو در دوره‌های آموزشی است و در مرحله بعد خود مددجو است که کلاس و رشته موردنظر خود را بر اساس علایق انتخاب می‌نماید. در مورد تنوع و کیفیت این دوره‌ها نتایج حاکی از رضایت اکثریت مددجوها در مورد نحوه آموزش و یادگیری، برگزاری دوره‌های آموزشی متنوع و همچنین نظارت دقیق سازمان فنی و حرفه‌ای در مورد میزان یادگیری و اعطای مدارک فنی و حرفه‌ای پس از سنجش میزان یادگیری می‌باشد. در بررسی این سؤال از پژوهش در کنار نقاط مثبتی که مورد توجه مددجوها بود نقاط منفی نیز خودنمایی می‌نمود و آن هم نارضایتی از نحوه پرداخت حق الزحمه و همچنین سهل‌انگاری مربی‌هایی بود که برای دوره‌های آموزشی کوتاه به مددجوها آموزش می‌دادند و بدون توجه به یادگیری کامل و حتی رعایت مسائل اخلاقی از جمله نگاه توهین‌آمیز و بدون شناخت از مشکلات آن‌ها به آموزش بدون توجه به یادگیری مددجو می‌پردازند. به طور کلی مددجوهای شرکت‌کننده در پژوهش رضایت کافی از اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان داشتند و از بهبود هر چه بهتر آن‌ها استقبال می‌کردند. همان‌طور که ذکر شد وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت یک توالی در جریان است که فرد را از اجبار برای حضور در دوره‌های آموزشی به یک استقلال می‌رساند. با توجه به این که مفاد تفاهم‌نامه بین زندان‌ها و سازمان فنی و حرفه‌ای، آموزش مددجویان به منظور توانمندسازی آن‌ها جهت اشتغال مفید و مولد پس از آزادی جهت تأمین معاش و بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به محیط زندان و همچنین تأثیر مثبت روحی، روانی و تربیتی در زندانیان در دوران محکومیت به حبس می‌باشد؛ این سؤال از پژوهش به بررسی اثرات توانمندسازی این آموزش‌ها بر اساس تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش که همان مددجوهای شرکت‌کننده در

دوره‌های آموزشی می‌باشند می‌پردازد، بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان منجر به توانمندسازی مددجویان در سه حیطه خودکفایی اقتصادی و مالی، نهادینه شدن روحیه کارآفرینی و اشتغال، بازسازی روحی، روانی و تربیتی و درنهایت این موارد بازسازی خویشتن است که به واسطه کار و اشتغال اتفاق می‌افتد. به‌طورکلی بر اساس آنچه در این پژوهش به دست آمد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منجر به ایجاد توانایی در مددجو برای تأمین هزینه‌های زندان، آماده‌سازی برای کارآفرینی بعد از آزادی از زندان، و ایجاد روحیه اعتمادبه‌نفس و خودباوری در آنان برای بازدارندگی از جرم و ارتقاء شخصیت آن‌ها می‌شود. در این راستا ارائه صرف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان به‌تنهایی نمی‌تواند برنامه مشترک سازمان زندان‌ها و سازمان فنی و حرفه‌ای کشور را تحقق بخشد و تحقق اثربخش این امر به ادامه این حمایت‌ها بعد از آزادی از زندان نیازمند است تا به اهداف موردنظر منتهی شود. این یافته‌ها نشان‌دهنده لزوم گسترش هر چه بیشتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌خصوص برای جمعیت زنان و اعطای مدارک معتبر از سوی زندان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد این اقدامات و تحت پوشش قرار دادن جمعیت کیفری زنان اثرگذاری بهتر و مطلوب‌تر خدمات و تسهیلات مرکز و امیدواری به پیشگیری از بازگشت به جرم را بالا می‌برد که با نتایج پژوهش‌های اسدالهی، محسنی تبریزی و براتوند (۱۳۸۸) و عزیزی، جعفری و ملکی (۲۰۱۵) همسو است. به‌رحال نتایج کلی حاصل همسو با دیگر تجارب پژوهشی مرتبط با این حوزه در داخل و خارج از کشور مبین اثرگذاری این آموزش‌ها در توانمندسازی مجرمان بوده است، اما باین‌وجود مطالعه عمیق آسیب‌شناسانه این سوژه از جنبه‌های مختلف و با طیف متنوع‌تری از زندانیان دریافت‌کننده این آموزش‌ها می‌تواند به‌طور مؤثرتر و بهتری در اصلاح بهبود عملکرد آموزشی، روانی، اجتماعی و اقتصادی مددجویان و توانمندسازی آنان و به‌خصوص مجرمان زن مورد استفاده واقع شود. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده جهت بررسی اثربخشی این آموزش‌ها کارهای عمیق‌تری در همه‌ی زندان‌ها و برای همه مجرمین به‌خصوص مجرمین زن انجام گیرد.

#### منابع

۱. ازکیا، م؛ دربان، آ (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان، ص ۵۳۸.

۲. اسدالهی، عا؛ محسنی تبریزی، عر و براتوند، م (۱۳۸۸). نقش مراکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان. فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴.
۳. استراس، آ و کوربین، ج (۱۹۶۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی.
۴. امین‌بیدختی، عا (۱۳۸۳). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه خوداشتغالی در استان سمنان. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم شماره ۱۶.
۵. حسینی، س ا و صالحی، ف (۱۳۹۰). عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم زنان زندانی زنجان. عوامل خانوادگی جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده علوم اجتماعی.
۶. دیوان‌بیگی، ر و مهدی‌پور رابری، ا (۱۳۹۲). بررسی عوامل جامعه‌شناختی ارتکاب جرائم در بین زنان زندانی شهر کرمان در سال ۹۲. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی
۷. رازانی، م (۱۳۹۰). ضرورت بازنگری در آموزش مهارت‌های شغلی در زندان‌ها. اصلاح و تربیت، شماره ۱۰۷.
۸. ریکاطرهانی، ب (۱۳۹۲). بررسی موانع و چالش‌های آموزشی در انتقال اثربخش دانش‌آموختگان متوسطه فنی و حرفه‌ای به بازار کار در مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای شهر سندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.
۹. شاهینودی، ا؛ رئیسی وانانی، ر و سلطانی، م (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم زنان در شهر اصفهان. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره اول سال سوم.
۱۰. عزیزی، ن و نصیری، ر. (۱۳۹۳). مولفه‌های تأثیرگذار بر کارآفرینی در سازمان‌های آموزشی: واکاوی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان کردستان. مجله مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی. سال سوم، شماره ۴: ۱۵۹-۱۸۲.
۱۱. غلامی، ح (۱۳۸۲) تکرار جرم به‌عنوان حرفه مجرمانه. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲.
۱۲. فرقدان، عا (۱۳۸۸). راهنما برای مدیران زندان‌ها و سیاست‌گذاران در خصوص زن و محکومیت زندان. اصلاح و تربیت، شماره ۸۵.
۱۳. گلچین، م (۱۳۸۵). انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها (نمونه‌ای از کاربرد فن تحلیل ثانوی). نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، ص ۱۵۷-۱۲۸.
۱۴. متین، ن (۱۳۹۰). ضرورت تحول در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای. مجله فنی حرفه‌ای، شماره ۴.
۱۵. محمدپور، ا (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی جلد اول. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۱۶. ملک‌میان، ل؛ شریفیان، س (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر جرم در زنان زندانی. فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره ۵.
۱۷. مهدوی، ر و پاکیده، ف. (۱۳۸۷). بررسی علل و عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد به زندان. اصلاح و تربیت، شماره ۸۲.
۱. Anuradha, V, and Reddy, L. (۲۰۱۳). Empowerment of Rural Women Through Vocational Education and Training. *Conflux a Journal of Education*, ۱(۲): ۶-۲. Retrieved from: <http://www.naspublishers.com>.
  ۲. Azizi, N. (۲۰۱۵). People Skill Employment Towards Sustainable Employment: An Integrated and Community-oriented TVET Framework for Rural Areas in Iran. In M. Gessler and L. Freund (eds.) *Crossing Boundaries in Vocational Education and Training: Innovative Concepts for the ۲۱th Century*. Bremen: University of Bremen, ITB. ISBN: ۹۷۸-۳-۸۸۲۸-۱۶۶۱-۸.
  ۳. Azizi, N., and Alikhani, P. (۲۰۱۳). A Ciiii rrr ttinn nn tee TVTT's Challenges in Iran: Emerging TVET Priorities for the Knowledge-based Economy. Paper presented at the European Conference on Educational Research (ECER ۲۰۱۳).
  ۴. Azizi, N., Jafari, M., and Maleki, H. (۲۰۱۵). The Implication of Technical, Vocational Education and Training on the Crime Reduction: Examining the Effectiveness of Mobile TVET in Prisons. Paper presented at the European Conference on Educational Research (ECER ۲۰۱۵).
  ۵. Azizi, N., & Lasonen, J. (۲۰۰۶). *Education, Training and the Economy: Preparing Young People for a Changing Labour Market*. Jyvaskyla: Jyvaskyla University Press.
  ۶. Becker G.S, (۱۹۶۴). *Human Capital*, New York: National Bureau of Economic Research.
  ۷. Clive, C. (۲۰۰۷). Contemporary vocational learning changing pedagogr. [http:// www.avakta. Org. au/conference archives/ documents/ pao Bchappell](http://www.avakta.Org.au/conference archives/ documents/ pao Bchappell)
  ۸. Craig, D. E., and Rogers, R. D. (۱۹۹۳). Vocational training in prison: A case study of maximum feasible misunderstanding. *Journal of offender rehabilitation*, ۲۰(۱-۲): ۱-۲۰.
  ۹. Larkin M, Watts S, Clifton E ۲۰۰۶ Giving voice and making sense in interpretative phenomenological analysis. *Qualitative Research in Psychology* ۳:۱۰۲-۰۲۰.
  ۱۰. Mcquay, P. (۲۰۱۱). A discussion paper on vocational technical education in the United States of America. Retrieved on January ۲, ۲۰۰۲ from the World Wide Web: <http://ccid.kirkwood.cc.ia.us/usvte ۱۱.htm>.
  ۱۱. Pettit, M. D., & Kroth, M. (۲۰۱۱). Educational services in Swedish prisons: successful programs of academic and vocational teaching. *Criminal Justice Studies*, ۲۴(۳), ۵۱۵-۲۲۶.

۱۲. Smith JA ۱۹۹۹ Towards a relational self: social engagement during pregnancy and psychological preparation for motherhood. *British Journal of Social Psychology* ۳۸: ۴۰۹-۴۲۶.
۱۳. Smith JA, Osborn M ۲۰۰۸ Interpretative phenomenological analysis. In Smith JA (ed) *Qualitative psychology: a practical guide to research methods*, ۲<sup>nd</sup> edn. pp ۵۳-۸۰. London, Sage.
۱۴. Smith JA, Flowers P, Larkin, M ۲۰۰۹ Interpretative phenomenological analysis: theory, method and research. Los Angeles, Sage.
۱۵. eee,,,,, ,, Ol,virr, ,, ddd iiiii aa, Vi (۲۰۰۰). *The Crime Reducing Effect of Education* (No. ۵۰۰۰).
۱۶. Union, (۲۰۱۱). The benefits of vocational education and training: *Luxembourg: Publications Office of the European Union*.

